

فصلنامه‌ی مطالعات ملی؛ ۸۸، سال بیست‌ودوم، شماره‌ی ۴، ۱۴۰۰، زمستان، صص ۱۸۵-۱۶۳

لینک نتیجه مشابهت یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/details/02ACD1CBDB09EFEA/6%

Doi: 10.22034/RJNSQ.2021.289099.1288

Dor: 20.1001.1.1735059.1400.22.88.8.8

تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

* امیر ملکی

E-mail: A_maleki@pnu.ac.ir

** آمنه عباسی

E-mail: Ameneh.abbasi@pnu.ac.ir

*** رسول صادقی

E-mail: Rassadeghi@ut.ac.ir

**** قادر بالاخانی

Email: Gh.balakhani@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

چکیده

نظام‌های ارزشی در حال تغییری که در حوزه‌ی خانواده بر آن‌ها تأکید شده و تحت عنوان ارزش‌های خانوادگی مدرن نام برده می‌شوند، در کنار ارزش‌های خانوادگی سنتی قرار گرفته و جوامع را با تردید در عقاید و ارزش‌های تشکیل‌دهنده‌ی هویت فرهنگی جامعه مواجه می‌سازند. به دلیل اهمیت این مسئله، موضوع مقاله‌ی حاضر بررسی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در ایران است. این بررسی به شیوه چندسطحی با تمرکز بر تحلیل ثانویه‌ی داده‌های پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه‌ی ایران و همچنین نتایج حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ و با بررسی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در دو سطح خرد و کلان انجام گرفته است. واحد مطالعه در سطح خرد فرد بوده و در سطح کلان استان به‌عنوان واحد مطالعه انتخاب شده است. بر اساس نتایج مطالعه، بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی با ارزش‌های خانوادگی مدرن، رابطه مثبت و معنی‌دار بوده و رابطه‌ی بین دین‌داری با ارزش‌های خانوادگی مدرن نیز منفی و معنی‌دار بوده است. نتایج تحلیل چندسطحی نیز نشان داد که تفاوت معنی‌داری در ارزش‌های خانوادگی مدرن بین استان‌های کشور وجود دارد. به این معنا که تفاوت میانگین بین استان‌های کشور ناشی از تصادف نبوده و تابعی از متغیر سطح کلان، یعنی میزان توسعه‌یافتگی است.

کلیدواژه‌ها: توسعه‌یافتگی، ارزش‌های خانوادگی، اعتماد اجتماعی، تحلیل چندسطحی، ایران.

* دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

*** دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران.

**** استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



مقدمه و طرح مسئله

ما در زمانه‌ی تغییرات سریع اجتماعی هستیم، تغییرات بسیاری در انتظارات زنان و مردان از کار و خانواده روی داده که منجر به شکل‌گیری تناقضاتی در اذهان آنان گردیده و نتیجه‌ی آن شکل‌گیری مسائلی است که خود را در قالب مقاومت‌های صورت گرفته از ناحیه‌ی افراد در برابر نظام ارزش‌های سنتی جامعه نمایان ساخته و هزینه‌های متعددی از جمله کاهش احساس اهمیت نظام‌های ارزشی و هویتی در پی داشته است. (آدنل، ۲۰۰۴: ۷۷). در همین ارتباط، معنای خانواده و آنچه در گذشته به عنوان مدل هنجارمند پدری تلقی می‌شد، به چالش کشیده شده است (کولیر، ۲۰۰۴: ۴۱). در کنار این تغییر ارزشی، تأکیدی که در الگوی نظام ارزشی خانواده‌ی سنتی بر نقش زنان به عنوان مادر صورت می‌گرفت نیز، دچار تحول شده است (کولیر، ۲۰۰۴: ۲۸). امری که متأثر از تغییرات اجتماعی روی داده در عرصه‌ی وسیع‌تر نظام اجتماعی بوده و هویت تعریف شده از جانب نظام سنتی خانوادگی را به چالش کشیده است.

وقوع این تغییرات اجتماعی که با عنوان نوسازی از آن یاد می‌شود، منجر به تحول ساختار اجتماعی جوامع گشته و در کنار آن، ساختارهای متفاوت و پیشرفته جایگزین ساختارهای سنتی و سازمان‌های اجتماعی خاص آن‌ها شده‌اند. در ادامه‌ی این روند تغییرات، شاهد تغییر در نظام ارزشی و گسترش مستمر ارزش‌هایی از قبیل برابری، آزادی انتخاب و امنیت و در نهایت تمایل به سمت فردگرایی، در پرتو افزایش ارزش دستاوردهای شخصی و خود مسئولیت‌پذیری نیز بوده‌ایم (فاکس، ۲۰۰۸: ۶۷). این خودمختاری فردی منجر به آزادی فرد از الزامات ناشی از سنت، کاهش کنترل نهادی بر انتخابات و تصمیمات وی، تنوع در سبک‌های زندگی گشته و در نتیجه، بر رفتارهای جمعیتی افراد نیز تأثیر گذاشته است (استانکونین^۱ و ماسلاوسکایت^۲، ۲۰۰۸: ۱۲۳). پژوهشگران در جوامع غربی نیز وجود این نوع همسویی بین الگوهای جمعیتی واقعی و ارزش‌ها و نگرش‌های مردم را در مطالعات خود مورد تأکید قرار داده‌اند (پنگراس و اسپدر، ۲۰۰۸: ۱۰۸). تغییری که با حرکت جوامع از مدل جمع‌گرا و متمرکز بر خانواده که تأکید بر مسئولیت‌پذیری دارد، به سمت جوامع فردگرا با تمرکز بر حقوق فردی را نشان می‌دهد (کتولا، ۲۰۰۸: ۲۷۱).

1. Stankuniene
2. Maslauskaitė

اما همان‌گونه که بیان شد، این تغییرات رخ داده در حوزه‌ی ارزش‌های خانوادگی بدون چالش نیز نبوده و به‌عنوان مثال، تمایل کم نسبت به ازدواج یا ازدواج مجدد و افزایش طلاق منجر به شکل‌گیری زندگی به‌تنهایی، یا همزیستی بدون ازدواج در بین نسل جوان‌تر شده است. با این روند تنظیمات زندگی افراد سالمند در آینده تغییر پیدا خواهد کرد. سالمندان آینده بیشتر به‌تنهایی زندگی خواهند کرد و این تغییرات جمعیتی چالش‌های متعددی را در پی خواهد داشت. لذا آگاهی از ارزش‌های خانوادگی افراد و تغییرات رخ داده در حوزه‌ی خانواده، به جهت تأییراتی که بر رفتارهای جمعیتی افراد در امر ازدواج و طلاق و فرزندآوری در سال‌های آتی خواهد داشت، بسیار حیاتی بوده (هون، ۲۰۰۸: ۳) و ابزاری مهم جهت مدیریت تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود.

خانواده در ایران نیز در متابعت از این الگو تغییر شکل داده و با تغییر در نقش‌های جنسیتی، کاهش اقتدار مردان در برابر زنان، کاهش تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده، بالا رفتن سن ازدواج و کاهش باروری و فرزندآوری با پایین‌ترین سطح خود، مواجه شده است (اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳: ۲۶۸). در کنار روند کاهش ازدواج طی سالیان اخیر، شاهد روند رو به رشد طلاق در کشور نیز بوده‌ایم. البته این روند برای تمامی استان‌های کشور به یک صورت نبوده و به‌عنوان مثال نسبت ازدواج به طلاق برای استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۲، ۱۱/۷۰ و در سال ۱۳۹۶ نیز ۱۱/۵۶ بوده که در عین فاصله‌ی بسیاری که با میانگین کل کشور دارد، از روند کاهش خیلی کمی نیز برخوردار بوده است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳).

همچنین، نرخ تجرد قطعی نیز طی سالیان اخیر دچار روند افزایشی شده و به‌عنوان مثال از ۱/۱ برای مردان و ۱/۲ برای زنان در سال ۱۳۷۵ به ۲/۳ برای مردان و ۳/۷ برای زنان در سال ۱۳۹۵ رسیده است (بلادی موسوی، ۱۳۹۵: ۴). این آمارها حاکی از تأثیر پذیری جامعه‌ی ایرانی با تغییرات ارزشی و نگرشی نظام جهانی و تأثیرگذاری آن بر تحولات جمعیتی و هویتی و تغییر شکل الگوی خانواده‌ی اسلامی- ایرانی است. البته وقوع این تغییرات در سطح کشور به‌طور یکسان نبوده و در بین استان‌های کشور شاهد تفاوت‌های بسیاری نیز هستیم. تفاوت‌هایی که حاکی از تأثیرگذاری عوامل کلان استانی بر تغییرات ارزشی و نگرشی و رفتارهای متابع آن دارد. در تلازم با این تفاوت‌ها، استفاده از روشی کلی، انعطاف‌پذیر و درعین حال پیچیده در قالب مدل‌های چندسطحی در سطح کشور به ما یادآور می‌شود. لذا، در این مقاله، با هدف تحلیل چندسطحی ارزش‌های خانوادگی در ایران، به دنبال پاسخ‌گویی به این دو سؤال



پژوهشی بوده‌ایم که «میزان ظهور ارزش‌های خانوادگی مدرن در بین خانواده‌های ایرانی چگونه است؟» و اینکه «آیا بین استان‌های کشور در عرصه‌ی ارزش‌های خانوادگی مدرن تفاوت معنی‌داری وجود دارد و یا خیر؟».

پیشینه پژوهش

تغییرات خانواده به‌طور عام و ارزش‌های خانواده به گونه‌ای خاص، مسئله‌ی پژوهشی بسیاری از مطالعات صورت گرفته، چه در داخل و چه در خارج از کشور بوده است. برای نمونه، در بین مطالعات داخلی صورت گرفته می‌توان به مطالعه‌ی عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) که نقش نوسازی را در تحولات ارزش‌های خانوادگی سنتی در بین نسل‌های مختلف بررسی نموده‌اند، اشاره نمود که بر اساس یافته‌های آن، مؤلفه‌های نوسازی تأثیر معنی‌داری بر تحول ارزش‌های خانوادگی از سنتی به مدرن داشته و میزان این تأثیرگذاری نیز در بین نسل‌های مختلف متفاوت بوده است.

رهبر و همکاران (۱۳۹۹) نیز در همین ارتباط و در پژوهشی که تفاوت نسلی جامعه‌ی امروز ایران را بر پایه‌ی ارزش‌های هویتی موردبررسی قرار داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی همچون فردیت‌گرایی، مدرن‌گرایی، ذهنیت مقایسه‌گرا، عدم کاربست ابزارهای انتقالی ارزشی کارآمد، رفتار فراغتی، لذت‌خواهی، استقلال‌طلبی و ناهمخوانی در خانواده موجب پدید آمدن تفاوت در نگرش و تفسیر نسبت به ارزش‌ها در دو نسل جوان و بزرگسال شده است.

در همین ارتباط، فرامرزیانی و جعفری (۱۳۹۹) با تأکیدی که در پژوهش خود بر هویت شخصی مدرن داشته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که گسترش استفاده از شبکه‌های مبتنی بر تلفن همراه به فردیت و فردی‌شدن افراد منجر شده است. امین و بابایی سارویی (۱۳۹۸) نیز در مطالعه‌ی خود به مطالعه‌ی نسبت مصرف رسانه‌ای و هویت مدرن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که علی‌رغم استفاده‌ی شهروندان از رسانه‌های اجتماعی و تأثیرپذیری هویت مدرن آن‌ها از آن، اما همچنان هویت دینی یا بومی نقش محوری را در بین آنان دارد. همچنین ورزی‌کناری و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده و همچنین بین مؤلفه‌های نوسازی با ارزش‌های مادی و غیرمادی خانواده رابطه مثبت وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر، امامی و همکاران (۱۳۹۷) بر وجود رابطه بین مدرنیته و خانواده‌گرایی تأکید داشته‌اند؛ و بالاخانگی و ملکی (۱۳۹۶) با مقایسه‌ی گروه‌های مختلف سنی، جنسی و

تحصیلی نشان داده‌اند که میزان فردگرایی در عرصه‌ی ارزش‌های خانواده در بین زنان، جوانان و افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر بوده است.

همچنین، طبق یافته‌های تقوی و اصلانی (۱۳۹۶) رابطه معکوسی بین مصرف رسانه (اینترنت و ماهواره) و ارزش‌های خانواده وجود داشته و بر وجود رابطه مستقیم معنی‌دار بین دین‌داری و پایبندی به ارزش‌های خانواده تأکید داشته‌اند. عطایی کجویی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که تأثیر استفاده از فضای مجازی بر نظام ارزشی افراد در شهر و روستاهای مورد مطالعه متفاوت است؛ که علت آن تعدد منابع ارزشی است که افراد به دلیل وسایل ارتباطی امروزی در معرض آن قرار می‌گیرند. همچنین بین میزان استفاده از فضای مجازی و نظام ارزشی خانوادگی رابطه‌ی معکوسی وجود داشته است.

مدیری و مهدوی (۱۳۹۶) در پژوهشی دیگر، به این نتیجه رسیده‌اند که ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن به‌طور یکسان متأثر از دین‌داری نبوده و در هر سه نسلی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ارزش‌های خانوادگی سنتی متأثر از دین‌داری بوده اما تأثیر دین‌داری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در هر سه نسل معکوس و ضعیف‌تر بوده و در نسل سوم تأثیر معناداری مشاهده نشده است. در پژوهشی دیگر خواجه‌نوری و حسینی (۱۳۹۵) ضمن تأیید تأثیر جهانی شدن بر ارزش‌های ازدواج در بین پاسخ‌گویان، به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه‌های جهانی شدن فرهنگی، مؤلفه‌های بازانندی و فناوری‌های نوین ارتباطی و داده‌ای بیشترین تأثیر را بر ارزش‌های ازدواج و به‌ویژه بعد نگرش به ازدواج داشته است. افزون بر این، نتایج بررسی آن‌ها نشان داده که مؤلفه‌های جهانی شدن (بازاندیشی و فناوری‌های نوین ارتباطی و داده‌ای) بر ارزش‌های ازدواج تأثیر منفی داشته‌اند. ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۲) نیز بر تأثیرگذاری اینترنت بر ارزش‌های خانواده از منظر هویت دینی و ملی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای روابط احساسی و آگاهی خانواده در استفاده فرزندان از اینترنت بیشترین نقش را بر ارزش‌های خانواده دارند.

همچنین، از بین مطالعات خارجی می‌توان به پژوهش چپتاروا^۱ و ولک^۲ (۲۰۲۰) اشاره نمود. در این مطالعه، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که در بین زوج‌های با ناهمسانی فرهنگی، ارزش‌های زندگی زوجین نسبت به زوج‌هایی که از نظر فرهنگی

1. Chebotareva

2. Volk



همسان بوده‌اند، اهمیت کمتری داشته است، اما در بین زوج‌های با مذهب مشترک این امر متفاوت بوده و ارزش‌های زندگی آن‌ها تناقضی را نشان نداده است. لپیچ (۲۰۱۸) نیز انتقال نهاد خانواده و همچنین ارزش‌های خانوادگی را تحت شرایط جهانی شدن نئولیبرالی بررسی نموده و به این امر اشاره دارد که کارکرد اجتماعی خانواده به بازتولید ساختار اجتماعی و جامعه‌پذیری و کارکرد جمعیتی آن به بازتولید جمعیت می‌پردازد. آنتونیو و دالا (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی دیگر به این یافته رسیده‌اند که ارزش‌های ازدواج از قبیل پدر به‌عنوان حامی، زن به‌عنوان تابع و محدود نمودن عواطف صمیمیت بین مهاجران رواج بیشتری داشته و تمایل مهاجران به فرهنگ به ارث رسیده و اسطوره‌های ازدواج با سطح صمیمیت ارتباط داشته است. یوسل (۲۰۱۴) نیز در مطالعه‌ای به تأثیرات ترکیبی تحصیلات، مذهب، ایدئولوژی سیاسی و جنسیتی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که با پایین آمدن سطح باورهای مذهبی و افزایش ایدئولوژی جنسیتی برابرطلبانه، نگرش‌ها نسبت به ازدواج و فرزندان نیز برابرطلبانه‌تر می‌شود. در پژوهش دیگر، آنافیانوا، کاپیتونو^۲ و بولاتوا^۳ (۲۰۱۳) به اثبات این امر پرداخته‌اند که ارزش‌های اجتماعی (پایگاه اجتماعی، احترام شغلی، خانواده، فرزندان) با ارزش‌های خانوادگی پدر و مادری در ارتباط بوده و ارزش‌های خانوادگی والدین بر ارزش‌های اجتماعی کسب شده تأثیرگذار است. با مروری بر مطالعات داخلی و خارجی می‌توان دریافت که در بین مطالعات داخلی بیشترین تأکید بر نقش نوسازی فرهنگی، مدرنیته، رسانه‌ها و فضای مجازی، دین‌داری افراد، فردگرایی، جهانی شدن و پایگاه اقتصادی اجتماعی بر ارزش‌های خانوادگی بوده است. سطوح مطالعه‌ی آن‌ها نیز یا در سطح خرد و یا در سطح کلان بوده و در حال حاضر محدود مطالعاتی هستند که ارتباط سطوح خرد و کلان را مورد بررسی قرار داده باشند، صرفاً می‌توان به مطالعه‌ی شیری و همکاران (۱۳۹۲) و رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۱) اشاره نمود که به مطالعه‌ی چندسطحی رفتار باروری پرداخته‌اند و در حال حاضر مطالعه‌ای که در داخل کشور ارزش‌های خانوادگی را مورد تحلیل چندسطحی قرار داده باشد، صورت نگرفته است. لذا در این مطالعه، تلاش شده تا این خلأ پژوهشی، با مطالعه‌ی چندسطحی ارزش‌های خانوادگی در ایران جبران گردیده و به صورت نوآورانه به فهم هر چه بیشتر تغییرات ارزشی در نظام خانواده و هویت ملی متأثر از آن کمک نماید.

1. Anafjanova
2. Kapitonov

3. Bulatova

همچنین، تأکید نتایج مطالعات خارجی نیز بیشتر بر نقش جهانی‌شدن، شرایط فرهنگی-اجتماعی جوامع، انتقال بین نسلی ارزش‌های خانوادگی و تأثیر نسل‌ها بر آن، کارکردهای خانواده، فردگرایی، سکولاریزه‌شدن، ایدئولوژی‌های سیاسی و جنسیتی و مذهب بوده و بر تغییر ارزشی خانواده تأکید داشته‌اند. در بین مطالعات خارجی نیز تنها در حوزه رفتار باروری زنان از روش‌های چندسطحی استفاده شده که از بین آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های راشد علم و همکاران (۲۰۱۸)، جنبر و لیکاسا (۲۰۱۷)، لیفروئر^۱ و همکاران (۲۰۱۵) و هانک و کرینفلد^۲ (۲۰۰۳) اشاره نمود.

چارچوب نظری

متفکران حوزه‌ی علوم اجتماعی و رفتاری به مطالعه‌ی پدیده‌ی ارزش‌های خانوادگی در سطوح خرد و کلان پرداخته و در این راستا عوامل فرهنگی-اجتماعی؛ سیاسی و اقتصادی در سطح کلان و انگیزه‌های شخصی، سلیقه‌ها، نگرش‌های افراد و طرز تلقی آن‌ها را در سطح خرد مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۹). امری که بر اهمیت سطوح خرد و کلان تأثیرگذار بر آن تأکید دارد. لذا در مقاله‌ی حاضر، چارچوبی چندسطحی با استفاده از چهار دیدگاه نظری، نظریه‌ی ایده‌آلیزم توسعه‌مدار، نظریه‌ی گذار جمعیتی دوم، نظریه‌ی اثر ارزش‌ها و نظریه‌ی توانمندسازی انسانی انتخاب شده است.

در نگاه ایده‌آلیزم توسعه‌مدار و بر اساس دیدگاه تورنتون (۲۰۰۱، ۲۰۰۵)، پژوهش‌های حوزه‌ی خانواده از قرن ۱۸ تحت تسلط نگاه توسعه‌مدارانه قرار داشته که باور به عبور جوامع انسانی از مراحل خاص پیشرفت دارد، مرحله‌ی که با رفتارهای متفاوت خانوادگی افراد در ارتباط است. این پژوهش‌ها بالاترین سطوح توسعه‌یافتگی را در حوزه‌ی خانواده‌ی هسته‌ای، ازدواج اختیاری، عشق رومانسیک، برابری در رابطه‌ی بین زوجین، تأخیر در ازدواج و باروری پایین مورد کاوش قرار داده‌اند، سطوحی که تحت عنوان ابعاد مدرن خانواده نام‌گذاری می‌شود. در این دیدگاه، ایده‌های مرتبط با این مدل اجتماعی و خانوادگی تحت عنوان ایده‌آلیزم توسعه‌مدارانه نام‌گذاری شده است. درون ایده‌های ایده‌آلیزم توسعه‌مدارانه، باورها و ارزش‌ها به‌عنوان عناصر مهم مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. لذا ایده‌های ایده‌آلیزم توسعه‌مدار را می‌توان به چهار باور و ارزش اساسی خلاصه نمود: ۱ و ۲) جامعه‌ی توسعه‌یافته و خانواده مدرن خوب است؛ ۳)

1. Liefbroer
2. Kreynfeld



توسعه‌یافتگی و خانواده‌ی مدرن تأثیرگذار بر هم هستند؛ (۴) افراد حق آزادی و مساوات داشته و روابط اجتماعی بر اساس رضایت بنا شده است (لای و تورنتون، ۲۰۱۵: ۳). نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی به دنبال نشان دادن تغییرات فرهنگی به سمت هنجارها و نگرش‌های پست‌مدرن است؛ زیدی و مورگان (۲۰۱۷: ۲). این دیدگاه در سطح کلان به دنبال نشان دادن تکامل جوامع در گذر زمان با تأکید بر نقش تغییرات فکری و تأثیر آن بر رفتارهای خانوادگی و جمعیتی است. همچنین در سطح فردی، جهت‌گیری‌های ارزشی افراد را که در رفتارهای خانوادگی آن‌ها تعیین‌کننده هستند، نشان می‌دهد (زیدی و مورگان، ۲۰۱۷: ۲). وندکا بر این باور است که کاهش سطح باروری از بالای سطح جایگزینی به زیر سطح جایگزینی، شکل جمعیتی اصلی این گذار دوم است؛ اما نیروی محرکی که در پشت این انتقال قرار دارد، تغییرات فکری است، تغییر شدیدی که شامل حرکت از هنجارها و انگیزه‌های دیگرخواهانه به سمت هنجارها و انگیزه‌های فردگرایانه می‌شود؛ زیدی و مورگان، ۲۰۱۷: ۳). بر این اساس، ضعف نهاد ازدواج یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گذار دوم جمعیتی است. امری که می‌تواند در ارتباط با طلاق و ازدواج مجدد نیز دیده شده و منجر به افزایش نرخ طلاق و کاهش نرخ ازدواج مجدد گردد (زیدی و مورگان، ۲۰۱۷: ۸).

در نظریه‌ی یان فن دیت (۱۹۹۵) نیز مدلی تحلیلی ترسیم می‌شود که مستلزم دو پیش‌فرض است؛ اول آنکه رفتار فردی توسط نیت و مقاصد رفتاری تعیین می‌شوند که آن‌ها به نوبه خود، توسط ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی شکل می‌گیرند. پیش‌فرض دوم این است که ارزش‌های افراد به شدت تحت تأثیر محیط اجتماعی و موقعیت اجتماعی آن‌ها در آن محیط قرار دارد. این پیش‌فرض‌ها، دو زنجیره ارتباطی بین سه سطح تحلیلی ایجاد کرده‌اند: شرایط سطح کلان، رهیافت‌های فردی و رفتارهای فردی؛ بنابراین ما با یک پروسه دوری پیچیده سروکار داریم. این فرایند برای اهداف تحلیلی به یک مدل ساده سه سطحی تقلیل داده شده است که شکل ریاضی آن را می‌توان در زیر مشاهده نمود:

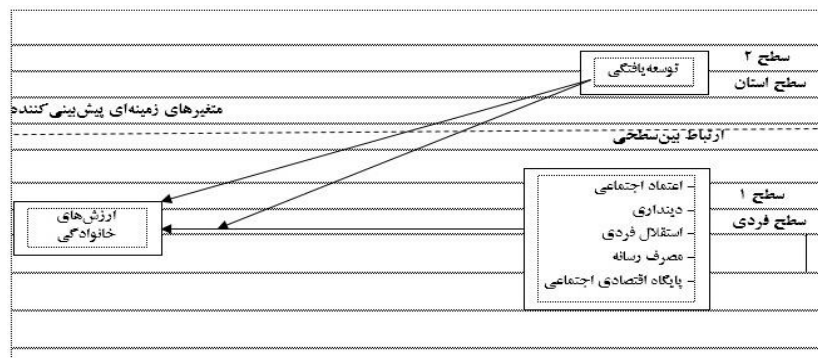
(پاسخ → آمادگی ذهنی برای عمل → محیط) (فن‌دیت و اسکاربرو، ۱۹۹۵: ۶)

دیدگاه چهارم نیز نظریه‌ی توانمندسازی انسانی است. این دیدگاه نظری، توانمندسازی را به‌عنوان یک فرآیند سه‌مرحله‌ای توصیف می‌کند: (۱) توسعه‌ی اقتصادی که به سمت افزایش دارایی، تحصیلات و اتصال‌پذیری است و توانایی افراد را جهت رسیدن به آزادی جهانی افزایش می‌دهد؛ (۲) توسعه‌ی فرهنگی که تأکید بر رهایی انسانی دارد و انگیزه‌ی افراد را جهت دستیابی به آزادی جهانی افزایش می‌دهد؛ (۳) توسعه‌ی نهادی که تأکید بر حقوق دموکراتیک دارد و صلاحیت افراد را جهت

دستیابی به آزادی جهانی افزایش می‌دهد. کسب و انطباق با آزادی‌های جهانی، تبدیل به ابزاری جهت کسب فرصت‌هایی است که در زندگی، افراد در جستجوی آن هستند.

هم‌زمان با توانمندسازی انسان‌ها، وابستگی به درون گروه نیز کاهش یافته و منجر به مشارکت افراد با دیگران خارج از حیطه‌ی خانواده و ناشناس شده و انسان‌ها به افراد ناشناس به‌عنوان نوعی منبع کسب منفعت دوطرفه نگاه می‌کنند. اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵) در این دیدگاه تأکید بسیاری بر این امر داشته و معتقدند که این تغییر منجر به برقراری ارتباط بین افراد، فراتر از مرزهایی شده که در جامعه‌ی سنتی برای آن‌ها تعریف می‌شد. زمانی که افراد از این گشودگی استفاده نمایند، تجارب مشارکتی آن‌ها بیشتر از گذشته، دیگران خارج از چارچوب خانواده و آشنایان را نیز در بر می‌گیرد. نتیجه‌ی این امر، خلق نوعی اعتماد برون‌گروهی بوده که فراتر از اعتماد درون‌گروهی است (دلی و ولزل، ۲۰۱۲: ۵۱).

مدل این مقاله با استفاده از چارچوب نظری آن طراحی گردیده است. این مدل متأثر از نظریاتی مطرح شده که تأکید بر تأثیرگذاری هم‌زمان عوامل فردی و استانی بر ارزش‌های خانوادگی افراد دارند، به‌صورت چند سطحی طراحی شده و به دنبال مطالعه‌ی این عوامل بر متغیر وابسته‌ی پژوهش است. تأثیرگذاری متغیرهای اعتماد اجتماعی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی بر ارزش‌های مدرن خانوادگی برگرفته از نظریه‌ی توانمندسازی انسانی و تأثیرگذاری متغیرهای دین‌داری و استقلال فردی بر ارزش‌های خانوادگی مدرن نیز برگرفته از نظریه‌ی گذار جمعیتی دوم است. در سطح کلان این پژوهش، با استفاده از نظریه‌ی ایده‌آلیزم توسعه‌مدار و طرح‌واره‌ی مطرح گردیده در دیدگاه نظری اثر ارزش‌ها، تأثیرگذاری عامل کلان توسعه‌یافتگی استانی بر ارزش‌های خانوادگی افراد سنجیده می‌شود.



نمودار شماری ۱: مدل مفهومی مبتنی بر چارچوب نظری تحقیق



سؤالات تحقیق

- آیا توسعه یافتگی استانی بر ارزش های خانوادگی مدرن تأثیرگذار است؟
- آیا با تغییر سطح اعتماد اجتماعی، دینداری، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی، ارزش های مدرن خانوادگی نیز دچار تغییر می شوند؟
- آیا توسعه یافتگی استانی می تواند بر رابطه بین اعتماد اجتماعی، دینداری، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی با ارزش های خانوادگی مدرن اثرگذار باشد؟

فرضیات تحقیق

فرضیه سطح استانی

- بین توسعه یافتگی استانی و ارزش های خانوادگی مدرن رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیات سطح فردی

- بین اعتماد اجتماعی، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی با ارزش های مدرن خانوادگی رابطه مثبت وجود دارد.
- بین دینداری و ارزش های خانوادگی مدرن رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه چندسطحی

- عامل سطح استانی (توسعه یافتگی) بر رابطه عوامل سطح فردی (اعتماد اجتماعی، دینداری، استقلال فردی، مصرف رسانه، پایگاه اقتصادی اجتماعی) با ارزش های خانوادگی مدرن تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در انجام این کار تحقیقی به صورت تحلیل ثانویه بوده و جهت مطالعه عوامل سطح خرد از داده های جمع آوری شده ی پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی جامعه ی ایران (۱۳۹۴) استفاده شده است. واحد تحلیل در این پیمایش فرد و جامعه آماری آن، افراد ۱۸ سال به بالای خانوارهای شهری (ساکن در شهرهای مرکز هر شهرستان) در ۳۱ استان کشور در زمان اجرای طرح بوده و در مجموع تعداد ۸۲۵۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفته اند. واحد تحلیل سطح کلان این پژوهش نیز استان بوده و از روش تمام شماری جهت سنجش داده های کلان مربوط به استان ها از طریق سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) استفاده شده است.

پایایی و تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این مقاله، ارزش‌های خانوادگی مدرن به‌عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش، با استفاده از شش بعد ارزش‌های ازدواج، سن مناسب ازدواج، تعداد مطلوب فرزند، ترجیح جنسی فرزند، نگرش‌های جنسیتی و نگرش نسبت به طلاق موردسنجش قرار گرفته است. در سنجش ارزش‌های خانوادگی مدرن، طیف وسیعی از ابعاد وجود دارند که در این پژوهش، صرفاً از ابعادی استفاده شد که در نظریه‌ی ایده‌آلیزم توسعه‌مدار بر آن‌ها تأکید شده است. پایایی این متغیر که با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده، برابر با ۰/۷۲ است.

همچنین میزان آلفای محاسبه‌شده برای بعد نگرش به ازدواج (۰/۷۴)، سن مناسب ازدواج (۰/۷۴) و نگرش‌های جنسیتی (۰/۸۲) است. جهت سنجش میزان اعتماد اجتماعی نیز از ۵ گویه که میزان اعتماد به اعضای خانواده، فامیل، همسایه‌ها و آشنایان، همشهری‌ها و غیرهمشهری‌ها را می‌سنجند استفاده شده و آلفای محاسبه شده برای آن نیز برابر با ۰/۷۱ است. میزان دین‌داری افراد نیز با استفاده از ۱۲ گویه که پایبندی و التزام دینی و پیامد دین‌داری در بین افراد را می‌سنجند، موردسنجش قرار گرفته است و آلفای محاسبه شده برای آن نیز برابر با ۰/۸۹ است.

جهت سنجش میزان استقلال فردی نیز از ۱۲ گویه که به سنجش شاخص‌های عدم وابستگی، تعین‌گرایی، تخیل، احساس مسئولیت، اطاعت و فرمان‌برداری، باور مذهبی، حسن رفتار و عقل معاش پرداخته‌اند، استفاده شده است و میزان آلفای محاسبه شده برای آن (۰/۷۶) است. همچنین در این پژوهش جهت سنجش مصرف‌رسانه‌ی افراد، میزان استفاده‌ی آن‌ها از تلویزیون، رادیو، روزنامه و مجله، اینترنت و ماهواره موردبررسی قرار گرفته است. جهت سنجش پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد نیز ۶ گویه طراحی شده که وضعیت تحصیلی، پنداشت فرد نسبت به ساخت طبقاتی‌اش، وضع مالی خانواده، تأخیر در پرداخت قبوض، نوع منزل محل سکونت و برخورداری خانواده آن‌ها را موردبررسی قرار داده است.

متغیر کلان این پژوهش نیز توسعه‌یافتگی استانی است که به معنای نوعی توسعه‌ی پایدار بوده و ماهیتی چندبعدی دارد و جهت سنجش آن در این پژوهش از شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی-خدماتی و آموزشی-فرهنگی استفاده شده است. لذا سطح توسعه‌یافتگی استانی با استفاده از نرخ شهرنشینی، نرخ سواد زنان، نرخ سواد



بزرگسالان ۱۵ تا ۶۴ سال، درصد مردان دارای تحصیلات عالی، درصد زنان با تحصیلات عالی، دستاورد تحصیلی ثانویه، نسبت کاندیداهای زن در انتخابات شورای شهر و روستا در سال ۱۳۹۶، امید به زندگی در آغاز تولد، شاخص نظام سلامت، شاخص امکانات رفاهی، شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، استفاده کنندگان از اینترنت و سهم نسبی از درآمد ناخالص ملی مورد سنجش قرار گرفته است. داده‌ها به کمک آماره‌های موجود در نرم‌افزارهای SPSS 24 و HLM8 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. برای این تجزیه و تحلیل، آماره‌های توصیفی مانند میانگین جداول توافقی و درصدها و آماره‌های استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته می‌شود. همچنین از تکنیک تحلیل چندسطحی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در حالی که مدل‌های چندسطحی سطوح متعددی را شامل می‌شوند، در این مطالعه از مدل‌های دوسطحی استفاده شده که در آن افراد (واحدهای سطح یک) درون استان‌ها (واحدهای سطح دو) قرار گرفته‌اند. این مدل‌ها نشان می‌دهند که چگونه متغیرهای یک سطح در روابط رخ داده در سطوح دیگر تأثیر می‌گذارند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش در سطح کلان

متغیر کلان مورد بررسی در این مطالعه، شامل توسعه یافتگی استانی است که به عنوان متغیر مستقل در این پژوهش بررسی شده است. مطابق با شاخص‌های بررسی شده جهت سنجش سطح توسعه یافتگی ۳۱ استان کشور، در جدول ۱ سطح توسعه یافتگی هر کدام از استان‌های کشور قرار داده شده است. بر همین اساس، استان تهران در رتبه اول با میزان توسعه یافتگی (۷۵/۳۸) و استان سیستان و بلوچستان با میزان توسعه یافتگی (۲۲/۴۹) در رتبه آخر قرار دارند. میزان توسعه یافتگی استانی را برای سایر استان‌های کشور نیز می‌توان در این جدول مشاهده نمود.

همچنین همان‌گونه که در جدول ۲ قابل مشاهده است، بین استان‌های کشور از لحاظ میانگین ارزش‌های خانوادگی مدرن نیز تفاوت وجود دارد. بر این اساس، بیشترین میزان ارزش‌های خانوادگی مدرن در بین استان‌های ایران، متعلق به استان تهران با میزان ۳۴/۷۱ و کم‌ترین آن نیز متعلق به استان سیستان و بلوچستان با میزان ۲۹/۸۷ است. میانگین ارزش‌های خانوادگی سایر استان‌های کشور نیز در این جدول قابل مشاهده است.



تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در ایران

جدول شماره ۱: سطح توسعه یافتگی استان‌ها

استان	درجه توسعه یافتگی	استان	درجه توسعه یافتگی	استان	درجه توسعه یافتگی	استان	درجه توسعه یافتگی	استان	درجه توسعه یافتگی
تهران	۷۵/۳۸	بوشهر	۵۶/۵۵	آذربایجان شرقی	۴۸/۰۷	چهارمحال و بختیاری	۴۵/۳۷	آذربایجان غربی	۳۸/۴۸
سمنان	۶۷/۹۴	فارس	۵۳/۹۵	خوزستان	۴۷/۹۴	کرمانشاه	۴۵/۳۵	کردستان	۳۷/۹۰
اصفهان	۶۱/۸۸	مرکزی	۵۳/۲۱	زنجان	۴۷/۶۹	همدان	۴۴/۹۹	سیستان و بلوچستان	۲۲/۴۹
البرز	۶۱/۷۱	قزوین	۵۳/۱۰	خراسان جنوبی	۴۷/۶۸	کهگیلویه و بویراحمد	۴۴/۵۱		
یزد	۶۱/۶۵	گیلان	۵۱/۷۱	هرمزگان	۴۵/۹۹	اردبیل	۴۳/۴۸		
مازندران	۵۸/۳۸	خراسان رضوی	۵۱/۲۹	گلستان	۴۵/۹۸	خراسان شمالی	۴۱/۹۰		
قم	۵۸/۲۶	ایلام	۵۰/۷۶	کرمان	۴۵/۷۴	لرستان	۴۰/۶۹		

جدول شماره ۲: سطح ارزش‌های خانوادگی استان‌ها

استان	میانگین ارزش‌های خانوادگی	استان	میانگین ارزش‌های خانوادگی	استان	میانگین ارزش‌های خانوادگی	استان	میانگین ارزش‌های خانوادگی	استان	میانگین ارزش‌های خانوادگی
تهران	۳۴/۷۱	بوشهر	۳۲/۹۸	آذربایجان شرقی	۳۲/۲۲	چهارمحال و بختیاری	۳۲/۲۶	آذربایجان غربی	۳۲/۲۸
سمنان	۳۳/۹۹	فارس	۳۲/۸۴	خوزستان	۳۱/۳۸	کرمانشاه	۳۲/۹۰	کردستان	۳۴/۳۸
اصفهان	۳۲/۹۵	مرکزی	۳۲/۵۶	زنجان	۳۲/۲۷	همدان	۳۳/۴۵	سیستان و بلوچستان	۲۹/۸۷
البرز	۳۴/۵۹	قزوین	۳۲/۷۶	خراسان جنوبی	۳۱/۳۳	کهگیلویه و بویراحمد	۳۱/۷۸		
یزد	۳۲/۲۱	گیلان	۳۴/۴۹	هرمزگان	۳۲/۶۰	اردبیل	۳۲/۰۶		
مازندران	۳۳/۰۹	خراسان رضوی	۳۱/۷۹	گلستان	۳۲/۲۶	خراسان شمالی	۳۳/۲۳		
قم	۳۱/۸۱	ایلام	۳۲/۰۵	کرمان	۳۱/۹۸	لرستان	۳۲/۰۴		

یافته‌های توصیفی پژوهش در سطح خرد

ویژگی‌های توصیفی متغیرهای ارزش‌های خانوادگی، اعتماد اجتماعی، دین‌داری، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد، با توجه به داده‌های موجود در جدول ۳، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

دامنه تغییرات نمره‌های مربوط به ارزش‌های خانوادگی مدرن بین ۱۸ تا ۵۴، اعتماد اجتماعی ۵ تا ۱۵، دین‌داری ۱۲ تا ۵۷، استقلال فردی ۱۲ تا ۵۸، مصرف رسانه ۵ تا ۲۰ و



پایگاه اقتصادی اجتماعی ۵ تا ۲۷ است. همچنین با توجه به مقادیر میانه، نما و میانگین و جهت چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه، می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین فراوانی‌های مشاهده شده در ارتباط با متغیر ارزش‌های خانوادگی مدرن به مقادیر میانه‌ی توزیع مربوط می‌شود و همچنین اعتماد اجتماعی به مقادیر متوسط به بالای توزیع، دین‌داری به مقادیر متوسط به بالای توزیع، استقلال فردی به مقادیر بالای توزیع، مصرف رسانه به مقادیر متوسط و پایگاه اقتصادی اجتماعی نیز به مقادیر متوسط توزیع مربوط می‌شود.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی متغیرهای خرد

متغیر	میانگین	میانه	نما	چولگی	کشیدگی	واریانس	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
ارزش‌های خانوادگی	۳۲/۵۷	۳۳	۳۳	-۰/۲۳۹	۰/۶۱۱	۱۶/۸۶۰	۴/۱۰۶۱۱	۵۴	۱۸	۳۶
اعتماد اجتماعی	۹/۵۶۲	۱۰	۱۰	۰/۰۰۸	۰/۵۴۱	۴/۰۹۱	۲/۰۲۳	۱۵	۵	۱۰
دین‌داری	۳۴/۰۸	۳۴	۳۵	-۰/۱۸۰	۰/۲۲۴	۶۱/۱۲۱	۷/۸۱۸	۵۷	۱۲	۴۵
استقلال فردی	۳۹/۷۱	۴۰	۴۰	-۲/۹۱۴	۲۹/۱۳۳	۱۱/۲۲۴	۳/۳۵۰	۵۸	۱۲	۴۶
مصرف رسانه	۱۱/۲۳	۱۱	۱۱	۰/۱۳۳	-۰/۲۹۵	۸/۵۴۲	۲/۹۲۳	۲۰	۵	۱۵
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۱۵/۵۴	۱۶	۱۵	-۰/۰۵۴	-۰/۰۸۱	۹/۳۹۸	۳/۰۶۶	۲۷	۵	۲۲

یافته‌های استنباطی پژوهش

آزمون فرضیه‌ی سطح کلان

- بین توسعه‌یافتگی و ارزش‌های خانوادگی مدرن رابطه‌ی مثبت وجود دارد.
جدول ۴ رابطه‌ی بین دو متغیر توسعه‌یافتگی استانی و ارزش‌های خانوادگی مدرن را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول قابل مشاهده است، رابطه‌ی بین توسعه‌یافتگی استانی و ارزش‌های خانوادگی مدرن بر اساس آماره‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/55$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان مثبت و معنی‌دار است.

جدول شماره ۴: بررسی رابطه‌ی بین توسعه‌یافتگی و ارزش‌های خانوادگی مدرن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار r	سطح معنی‌داری
توسعه‌یافتگی	۳۱	۵۰/۰۰۰۶	۱۰/۰۰۰۱۶	۰/۵۵	۰/۰۰۱
ارزش‌های خانوادگی مدرن	۳۱	۳۲/۶۱۶۵	۱/۰۵۵۳۹		

آزمون فرضیات سطح خرد

- بین اعتماد اجتماعی، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی با ارزش‌های مدرن خانوادگی رابطه‌ی مثبت وجود دارد.



- بین دین‌داری و ارزش‌های خانوادگی مدرن رابطه منفی وجود دارد. بر اساس یافته‌های موجود در جدول ۵، رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی ($r=0/021$)، استقلال فردی ($r=0/105$)، مصرف رسانه ($r=0/099$) و پایگاه اقتصادی اجتماعی ($r=0/056$) با ارزش‌های خانوادگی مدرن در سطح ۹۹ درصد اطمینان مثبت و معنی‌دار بوده و رابطه‌ی بین دین‌داری ($r=-0/133$) با ارزش‌های خانوادگی مدرن در سطح ۹۹ درصد اطمینان منفی و معنی‌دار است.

جدول شماره ۵: بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای سطح فردی و ارزش‌های خانوادگی مدرن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار r	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	۸۲۰۲۷	۹/۵۶	۲/۰۲۳	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱
دین‌داری	۸۲۴۹۵	۳۴/۰۸	۷/۸۱۸	-۰/۱۳۳	۰/۰۰۱
استقلال فردی	۸۲۴۸۵	۳۹/۷۱	۳/۳۵۰	۰/۱۰۵	۰/۰۰۱
مصرف رسانه	۸۰۹۵۶	۱۱/۲۳	۲/۹۲۳	۰/۰۹۹	۰/۰۰۱
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۸۲۴۹۷	۱۵/۵۴	۳/۰۶۶	۰/۰۵۶	۰/۰۰۱

آزمون فرضیه‌ی چندسطحی

عامل سطح استانی (توسعه‌یافتگی) بر رابطه عوامل سطح فردی (اعتماد اجتماعی، دین‌داری، استقلال فردی، مصرف رسانه، پایگاه اقتصادی اجتماعی) با ارزش‌های خانوادگی مدرن تأثیر دارد.

در این پژوهش، در سطح فردی متغیرهای «اعتماد اجتماعی»، «دین‌داری»، «استقلال فردی»، «مصرف رسانه» و «پایگاه اقتصادی اجتماعی» و در سطح کلان «توسعه‌یافتگی استانی» انتخاب شده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۶، میانگین ارزش‌های خانوادگی ۳۲/۶۲ به ازای هر فرد بوده است. همچنین واریانس میانگین ارزش‌های خانوادگی در سطح یک (۱۵/۶۴) بیشتر از سطح دو (۱/۰۹) است که نشان‌دهنده این است تغییرات متغیر وابسته، یعنی ارزش‌های خانوادگی مدرن، بیشتر متأثر از مشخصه‌های فردی افراد است تا ویژگی‌های زمینه‌ای-استانی. با استفاده از همبستگی بین طبقه‌ای به دست آمد که نشان می‌دهد ۶/۵ درصد از واریانس ارزش‌های خانوادگی از سطح دو (استانی) و ۹۳/۵ درصد از سطح یک (فردی) متأثر است. معنادار بودن خطای تصادفی نیز نشان می‌دهد که میانگین ارزش‌های خانوادگی افراد در بین استان‌های کشور متفاوت است و تحلیل چندسطحی را توجیه می‌کند.



جدول شماره ۶: اثرات ثابت و تصادفی متغیرهای سطوح فردی و استانی مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی مدرن

اثرات ثابت	ضریب	SE	همبستگی بین طبقه‌ای
میانگین ارزش‌های خانوادگی ۷۰۰	۳۲/۶۲	۰/۱۸	۰/۰۶۵۱۵۷۸۶۰۶
اثرات تصادفی	جزء واریانس	df	X ²
U _{0j} (سطح دو)	۱/۰۹	۳۰	۵۶۱۰/۸۳۷۰۹
T _{ii} (سطح یک)	۱۵/۶۴		

با توجه به نتایج اثرگذاری متغیرهای سطح فردی بر ارزش‌های خانوادگی مدرن که در جدول ۷ نشان داده شده، هر پنج متغیر تأثیر معناداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن دارند. داشتن اعتماد اجتماعی بیشتر، استقلال فردی بالاتر، دین‌داری کمتر، مصرف رسانه بیشتر و پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر منجر به افزایش سطح ارزش‌های خانوادگی مدرن در بین افراد می‌شود. همچنین از بین این پنج متغیر، دین‌داری با تأثیرگذاری منفی بر ارزش‌های خانوادگی مدرن، بیشترین اثرگذاری را دارد.

جدول شماره ۷: نتایج اثرگذاری متغیرهای سطح فردی بر ارزش‌های خانوادگی مدرن

اثرات ثابت	ضریب	SE	T
اعتماد بین فردی	۰/۰۴۱	۰/۰۰۶	۵/۹۸۳
دین‌داری	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۱	-۲۷/۸۱۳
استقلال فردی	۰/۱۰۹	۰/۰۰۴	۲۵/۹۶۳
مصرف رسانه	۰/۱۱۸	۰/۰۰۴	۲۴/۲۶۵
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۰۴۹	۰/۰۰۴	۱۰/۷۷۰
اثرات تصادفی	جزء واریانس	X ² (P value)	
اعتماد بین فردی	۱/۰۸	۵۶۱۰/۵۷۸۸۰ (۰/۰۰۱)	
دین‌داری	۰/۹۶	۵۰۲۸/۳۱۲۶۴ (۰/۰۰۱)	
استقلال فردی	۱/۰۵	۵۴۴۵/۲۴۰۵۷ (۰/۰۰۱)	
مصرف رسانه	۱/۰۴	۵۴۱۷/۲۵۲۸۵ (۰/۰۰۱)	
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۱/۰۷	۵۴۹۸/۲۶۳۹۱ (۰/۰۰۱)	
جزء واریانس متغیرهای پیش‌بین سطح یک	۱۵/۲۸		

جدول ۸ نتایج اثرگذاری متغیر سطح استانی بر ارزش‌های خانوادگی مدرن را نشان می‌دهد. بر این اساس، متغیر سطح دو (استانی) رابطه مثبت و معناداری با ارزش‌های خانوادگی مدرن دارد. از این رو، با افزایش سطح توسعه‌یافتگی استانی، سطح ارزش‌های خانوادگی مدرن به‌طور معناداری افزایش می‌یابد. همچنین مقایسه مقدار خطای تصادفی در



تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در ایران

جدول ۸ با جدول ۶ و کاهش آن از ۱/۰۹ به ۰/۷۷ نشان‌دهنده اهمیت سطح دو در تبیین واریانس استانی ارزش‌های مدرن خانوادگی است. با توجه به این مقادیر می‌توان گفت که حدود ۲۹ درصد واریانس بین استانی ارزش‌های خانوادگی در ایران بر اساس سطح توسعه‌یافتگی استانی تبیین می‌شود.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون اثرگذاری متغیر سطح استانی بر ارزش‌های خانوادگی مدرن

T	SE	ضریب	اثرات ثابت
۲۰۵/۳۶۷	۰/۱۵	۳۲/۶۲	عرض از مبدأ
۳/۶۲۳	۰/۰۱	۰/۰۵	توسعه‌یافتگی استانی
X² (P value)		جزء واریانس	اثرات تصادفی
۳۳۸۴/۲۵۷۵۹ (۰/۰۰۱)		۰/۷۷	U _{0j} (سطح دو)
		۱۵/۶۴	F _{ii} (سطح یک)

نتایج جدول ۹ نیز به بررسی میزان اثرگذاری متغیر سطح دو (استانی) بر ضریب اثرگذاری متغیرهای سطح اول (فردی) بر ارزش‌های خانوادگی می‌پردازد. بر این اساس، ضریب تأثیر متغیرهای اعتماد اجتماعی، دین‌داری، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی در سطح فردی از متغیر سطح استانی (توسعه‌یافتگی استانی) متأثر بوده و حدود ۴۴ درصد از واریانس سطح استانی ارزش‌های خانوادگی مدرن، تحت تأثیر توسعه‌یافتگی استانی، اعتماد بین‌فردی، دین‌داری، استقلال فردی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی است.

جدول شماره ۹: نتایج اثرگذاری متغیرهای سطح دو بر ضرایب تأثیر متغیرهای سطح یک بر ارزش‌های خانوادگی مدرن

T	SE	ضریب	اثرات ثابت
۱۰/۱۳۴	۰/۰۰۷	۰/۰۷۱	اعتماد اجتماعی
-۲۵/۰۳۴	۰/۰۰۱	-۰/۰۴۶	دین‌داری
۲۱/۴۴۴	۰/۰۰۴	۰/۰۹۰	استقلال فردی
۱۹/۸۷۳	۰/۰۰۴	۰/۰۹۸	مصرف رسانه
۴/۷۱۳	۰/۰۰۴	۰/۰۲۱	پایگاه اقتصادی اجتماعی
X² (P value)		جزء واریانس	اثرات تصادفی
۶۵۸/۹۶۹۵۸ (۰/۰۰۱)		۰/۶۰	U _{0j} (سطح دو)
		۱۵/۲۸	F _{ii} (سطح یک)



بحث و نتیجه گیری

مطالعات صورت گرفته و شواهد موجود حاکی از آن است که نهاد خانواده در ایران به تجدید ساختار خود دست زده و ویژگی‌های موجود خانواده، نمادی از تداوم و تغییر را نشان می‌دهد. آنچه تغییر کرده، نگاه ارزشی به ازدواج، طلاق، فرزندآوری و باروری بوده و در کنار آن الگوی نوینی از تغییرات هویتی شکل گرفته که اولویت را در رسیدن به مدارج بالای اجتماعی و برابری هر چه بیشتر زنان با مردان و توجه به مراقبت از جسم خود و تعالی استعدادها و توانایی‌های خویش داشته و در تقابل با تأکید هویت ایرانی بر خانواده‌گرایی و لزوم ایثار و گذشت در چارچوب نهاد خانواده با الگوی ایرانی اسلامی قرار دارد (اکبری، ۱۳۹۹: ۴۸). امری که با توجه به پیامدهای اجتماعی همانند سالمندی جمعیت و بحران‌های متعاقب آن، می‌تواند تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی برای آیندگان گردیده و دیری نخواهد گذشت که با بحران ناشی از آن مواجه شوند. لذا در تعاقب وقوع این تغییرات، تأثیرگذاری عوامل مورد تأکید در حوزه‌های نظری و پژوهشی از قبیل استقلال فردی، دین‌داری، اعتماد اجتماعی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بر ارزش‌های خانوادگی موردبررسی قرار گرفت و به‌عنوان مسئله‌ای اصلی این پژوهش مدنظر بوده است.

همچنین با توجه به اهمیت بالای توسعه‌یافتگی در تبیین روند رو به تغییر نظام ارزشی در خانواده، در این پژوهش به دنبال آن بودیم تا با توجه به تفاوت‌هایی که در بین استان‌های کشور در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی و همچنین ارزش‌های خانوادگی افراد وجود دارد، نحوه‌ی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر را با استفاده از مدل‌های چندسطحی موردبررسی قرار داده و جهت سنجش تأثیرگذاری این ساختار اجتماعی چندبعدی، از مدل‌های رگرسیون چندسطحی استفاده شد. انتخاب این روش جهت بررسی ارزش‌های خانوادگی در ایران به علت دیدگاه‌های نظری بود که به‌عنوان چارچوب منتخب در این پژوهش مورداستفاده قرار گرفته و تأکید بر در نظر گرفتن عوامل سطوح خرد و کلان به‌طور هم‌زمان جهت تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تر نظام‌های ارزشی افراد داشته‌اند. به‌عنوان مثال، بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته از ناحیه‌ی اندیشمندان نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی، تغییرات ارزشی مرتبط با گذار جمعیتی دوم منجر به بالا رفتن میانگین سن ازدواج، کاهش نرخ اولین ازدواج، افزایش نرخ طلاق، رواج یافتن و پذیرش همزیستی و افزایش تولدهای خارج از چارچوب ازدواج می‌شود.

بر اساس الگوی برگرفته از این دیدگاه نظری، ارتباط استقلال فردی و دین‌داری با ارزش‌های خانوادگی مدرن مورد تأیید این پژوهش قرار گرفته و مؤید این دیدگاه نظری بوده و دلالت بر این امر دارد که افراد با استقلال فردی بالاتر، دارای سطح بالاتری از ارزش‌های خانوادگی مدرن بوده و می‌توان انتظار داشت که این افراد بیشتر به سمت تبعیت از ارزش‌های خانوادگی مدرن گرایش داشته باشند. لذا، استقلال فردی یکی از عوامل شکل‌گیری ارزش‌های خانوادگی مدرن در ایران و تغییر هویت ملی ایرانیان در چارچوب الگوی تعریف‌شده تحت عنوان خانواده ایرانی اسلامی است. همچنین تأثیرگذاری منفی دین‌داری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن نیز مطابق با تأکید این دیدگاه نظری بوده و مؤید عامل بودن دین‌داری در تغییر شکل ارزش‌های خانوادگی بوده و دلالت بر این امر دارد که هر چه از میزان دین‌داری افراد کاسته شود، ارزش‌های خانوادگی مدرن آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. نتیجه‌ای که با نتایج حاصل از پژوهش‌های عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) تقوی و اصلانی (۱۳۹۶)، مدیری و مهدوی (۱۳۹۶) و یوسل (۲۰۱۴) نیز همخوانی دارد.

همچنین مطابق با نظریه‌ی توانمندسازی انسانی، تأثیرگذاری اعتماد اجتماعی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی با توجه به تأکیدات نظریه‌ی توانمندسازی انسانی موردسنجش قرار گرفته و ارتباط این متغیرها با ارزش‌های خانوادگی مدرن تأیید شده است. بر همین اساس، هم‌زمان با توانمندسازی انسان‌ها، وابستگی به درون‌گروه نیز کاهش می‌یابد. آزادی از کنترل درون‌گروهی منجر به مشارکت افراد با دیگران خارج از حیطه‌ی خانواده و ناشناس شده و انسان‌ها دیگر به افراد ناشناس به‌عنوان خطر نگاه نکرده و با بالا رفتن میزان اعتماد اجتماعی، بالعکس به آن‌ها به‌عنوان نوعی منبع کسب منفعت دوطرفه نگاه می‌کنند. همچنین از نظر اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵) در حوزه‌ی اقتصادی، توانمندسازی انسانی در منابعی که به افراد توانایی ایفای عمل مطابق با آزادی‌های درخواستی‌شان است، خود را نشان می‌دهد. در سطح اجتماعی، می‌توان این منابع را با توانایی افراد در کسب قدرت برابر با استفاده از سرمایه‌های در دسترس اندازه‌گیری نمود. در سطح فردی این امر با درآمد کسب‌شده در خانواده قابل محاسبه است. حوزه‌ای که می‌توان با استفاده از میزان تحصیلات افراد و یا دسترسی آن‌ها به رسانه‌هایی از قبیل اینترنت و یا ایمیل نیز محاسبه نمود. در سطح فرهنگی نیز، توانمندسازی انسانی در ارزش‌های رهایی‌بخش که انگیزه‌بخش آن‌ها جهت دنبال نمودن آزادی خویش است، قابل مشاهده است.



در ارتباط با وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین مصرف رسانه و ارزش‌های خانوادگی مدرن، تأیید این رابطه مؤید نتایج حاصل از مطالعات امامی و همکاران (۱۳۹۶)، تقوی و اصلانی (۱۳۹۶)، عطایی کچویی و همکاران (۱۳۹۶) و خواجه‌نوری و حسینی (۱۳۹۵) است. همچنین وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و ارزش‌های خانوادگی مدرن تأییدکننده‌ی نتایج حاصل از مطالعه آنایانوا، کاپیتانو و بولاتوا (۲۰۱۳) است. لذا بر اساس یافته‌های این پژوهش، اعتماد اجتماعی، مصرف رسانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی عواملی هستند که بر ارزش‌های خانوادگی مدرن و هویت تعریف شده در چارچوب آن در جامعه تأثیرگذار هستند.

ایده‌آل‌یزم توسعه‌مدار به‌عنوان نظریه‌ای که تأکید بر تأثیرگذاری توسعه‌یافتگی بر ارزش‌های خانوادگی داشته و اثر ارزش‌ها به‌عنوان دیدگاهی که تبیین‌کننده‌ی لزوم استفاده از رویکردی چندسطحی در مطالعه‌ی نظام ارزشی افراد بوده، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند. با استفاده از دیدگاه اثر ارزش‌های یان فن دیث (۱۹۹۵) ما با یک پروسه‌ی دوری پیچیده در جامعه سروکار داریم. پروسه‌ای که طی آن ارزش‌های خانوادگی متأثر از سطح توسعه‌یافتگی استانی بوده و در سوی دیگر این زنجیره‌ی ارتباطی نیز، شاهد تأثیرگذاری ارزش‌های خانوادگی بر سطح توسعه‌یافتگی استانی خواهیم بود. برگرفته از این چارچوب نظری و در سطح کلان، تأثیرگذاری توسعه‌یافتگی استانی بر ارزش‌های خانوادگی مورد بررسی قرار گرفته که این رابطه‌ی مثبت و معنادار، مؤید دیدگاه‌های نظری ایده‌آل‌یزم توسعه‌مدار و اثر ارزش‌هاست.

همچنین با استفاده از روش چندسطحی تأثیر عامل سطح کلان بر ارزش‌های خانوادگی مدرن مورد بررسی قرار گرفت. در این مدل، تأثیرگذاری متغیر سطح کلان روی عرض از مبدأ و ارزش‌های خانوادگی مدرن در بین استان‌ها بررسی شد. در این مدل، واریانس از ۱/۰۹ به ۰/۷۷ کاهش یافته که معنی‌دار بوده و حاکی از پذیرفته شدن فرضیه‌ی چندسطحی پژوهش بوده است. این امر حاکی از آن است که تفاوت‌های بین استانی ارزش‌های خانوادگی ناشی از تصادف نبوده و تابعی از متغیر سطح کلان (توسعه‌یافتگی استانی) است. بر اساس نتایج تحلیل چندسطحی پژوهش، متغیرهای اعتماد اجتماعی، دین‌داری، استقلال فردی و پایگاه اقتصادی اجتماعی در عرض از مبدأ تأثیر معنی‌دار داشته و در سطح فردی، ارزش‌های خانوادگی مدرن متأثر از این عوامل تغییر پیدا کرده است. لذا تعامل توسعه‌یافتگی استانی با عوامل خرد مورد مطالعه در این

پژوهش، در جهت تأثیرگذاری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن و کاهش اهمیت ارزش‌های خانوادگی سنتی و الگوی ایرانی اسلامی مؤکد در هویت ملی ایرانیان، مورد تأیید این پژوهش قرار گرفته است.

بر اساس این یافته‌ها و در جهت مقابله با چالش‌های پیش روی نظام اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که به علت پیچیده و چندبعدی بودن ارزش‌های خانوادگی، مطالعات چندسطحی بیشتری در ایران از جانب پژوهشگران صورت گیرد. انجام مطالعات کیفی به صورت نظریه‌ی زمینه‌ای نیز کمک بسیاری به تبیین دقیق‌تر عوامل تأثیرگذار بر ارزش‌های خانوادگی در ایران خواهد نمود. همچنین به علت اهمیت توسعه‌یافتگی استانی، لزوم توجه به استان‌های محروم کشور از ناحیه‌ی مسئولان امر بسیار حائز اهمیت است. در راستای مقابله با آسیب‌های روانی ناشی از تغییرات نظام ارزشی خانواده نیز پیشنهاد می‌شود که از فعالیت سازمان‌های غیردولتی در جهت حمایت روانی از اعضای جامعه پشتیبانی شود.

منابع

- ابوالقاسمی، محمود؛ نوروزی، عباسعلی؛ طالب‌زاده نوبریان، محسن (۱۳۹۲)؛ «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال چهاردهم، شماره ۳ (۵۵)، صص ۲۴-۳.
- امامی، پریرخ؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۷)؛ «تبیین رابطه مدرنیته و خانواده‌گرایی در شهر اصفهان»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵ (۱۱)، صص ۲۵۱-۲۲۷.
- امین، محسن؛ بابایی‌سارویی، علیرضا (۱۳۹۸)؛ «سنجش هویت جمعی ایرانیان؛ مطالعه نسبت مصرف رسانه‌ای و هویت مدرن در شهرهای مرزی کشور»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال بیستم، شماره ۳ (۷۹)، صص ۵۲-۳۳.
- اوجاقلو، سجاده؛ سرایی، حسن (۱۳۹۳)؛ «مطالعه‌ی تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۲۸۳-۲۶۱.
- اکبری، عسگر (۱۳۹۹)؛ «مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال بیست‌ویکم، شماره ۳ (۸۳)، صص ۶۳-۴۵.
- بالاخانی، قادر؛ ملکی، امیر (۱۳۹۶)؛ «بررسی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده (مطالعه‌ی موردی شهروندان تهران)»، *فصلنامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، دوره بیستم، شماره ۷۷، صص ۳۴-۷.
- بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۹۵)؛ «تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی، تهران: مرکز آمار ایران.
- تقوی، سیدمهدی؛ اصلانی، شهناز (۱۳۹۶)؛ «بررسی رابطه بین مصرف رسانه و دین‌داری و ارزش‌های خانواده: مطالعه موردی شهر سمنان»، *دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۱۲۷-۱۰۳.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ حسینی، مریم (۱۳۹۵)؛ «رابطه جهانی شدن فرهنگی و ارزش‌های ازدواج در بین ساکنان



- شهر شیراز»، *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، سال هفتم، شماره سوم، صص ۱۳۴-۱۱۵.
- رازقی نصرآباد، حجیبه بی؛ عباسی شوازی، محمدجلال؛ قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۹۱)؛ «تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۹- ۱۳۷۰»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۹۴-۵۵.
- رهبر، عباسعلی؛ خرمشاد، محمدباقر؛ آدمی، علی؛ والی، علی (۱۳۹۹)؛ «تبیین تفاوت نسلی در جامعه امروز ایران بر پایه‌ی ارزش‌های هویتی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال بیست و یکم، شماره ۱ یک (۸۱)، صص ۶۵-۴۷.
- شیرینی، محمد؛ نوراللهی، طه؛ رستمی، الهام (۱۳۹۲)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکردی چندسطحی»، *معرفت*، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹، صص ۹۹-۸۹.
- عباس‌زاده، محمد؛ آقایاری‌هیر، توکل؛ عزیززاده‌اقدام، محمدباقر؛ عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۹)؛ «نوسازی و تحول ارزش‌های خانوادگی سنتی در شهر تبریز»، *دو فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال نهم، شماره اول، صص ۱۹۰-۱۶۱.
- عباسی، محمدباقر؛ عزیززاده، مرجان؛ امیدوار شلمانی، صدیقه؛ حسینی، سیدمحمد؛ خطیبی، آمنه؛ صفاکیش، محدثه (۱۳۹۷)؛ *سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۶*، تهران: سازمان ثبت‌احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
- عطایی کچویی، پری؛ انصاری، ابراهیم؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۶)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر نظام ارزشی افراد در خانواده‌ها (مقایسه‌ی مناطق شهری و روستاساس اصفهان)»، *فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۱۷۸-۱۵۷.
- فرامرزیانی، سعید؛ جعفری، علی (۱۳۹۹)؛ «نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال بیست و یکم، شماره ۲ (۸۲)، صص ۸۸-۶۹.
- قاسمی اردهایی، علی؛ منافی آذر، رضا؛ محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۷)؛ «عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان زنان متأهل»، *فصلنامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، دوره ۲۱، شماره ۸۱، صص ۱۶۶-۱۴۳.
- مدیری، فاطمه؛ مهدوی، محمدصادق (۱۳۹۶)؛ «بررسی نسلی تأثیر دین‌داری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در شهر تهران»، *دو فصلنامه‌ی پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال ششم، شماره ۱۰، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- ورزی‌کناری، امین؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ پهلوان، منوچهر (۱۳۹۸)؛ «نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۷۸-۶۵.
- Anafjanova, Ttiana Vladimirovna; Kapitonov, Vladimir Fedorovich; Bulatova, Ksenia Andreyevna (2013); "ETHNIC FEATURES OF INFLUENCE OF FAMILY VALUES OF PARENTAL FAMILIES ON FORMATION OF STRUCTURE FAMILY VALUES IN YOUNG FAMILIES", *Modern Research of Social Problems*, No.7 (27): 1-13.
- Antonou, Alexander-Stamatios; Dalla, Marina V (2015); "Greeks and Albanian Immigrants' Perceptions on Family Values, Marriage Myths and Love: The Role of Acculturation", *International Journal of Social Pedagogy*, Vol.4, No.1: 204-218.
- Chabotareva, Elena Yu; Volk, Marina I (2020); "Life and Family Values Similarity in Inter-Ethnic and Inter-Faith Couples", *behavioral science*, 10, 38: 1-14.
- Collier, Richard (2004); *Men, heterosexuality and the changing family, (Changing family values)*, Edited by: Gill Jagger & Caroline Wright, London and New York: Routledge.
- Delhey, Jan; Welzel, Christian (2012); "Generalizing Trust: How Outgroup-Trust Grows Beyond Ingroup-Trust", *WVR*, Vol.5, No.3: 46-69.
- Fux, Beat (2008); *Pathways of Welfare and Population-related Policies, (People, Population Change and Policies)*, Edited by Höhn, Avramov and Kotowska, Springer: Switzerland.



- Hank, Karsten; Kreynefeld, Michaela (2003); "A Multilevel Analysis of Child Care and Women's Fertility Decisions in Western Germany", *Journal of Marriage and Family*, Vol.65, issue.3: 584-596.
- Höhn, Charlotte (2008); *People, Population Change and Policies*, Edited by: Charlotte Höhn, Dragana Avramov & Irena E. Kotowska, New York: Springer.
- Jenber, Reta Lemessa; Likassa, Habte Tadesse (2017); "Multilevel Logistic Regression Analysis on Predictors of Women's Intention to Limit Child-bearing in Rural Ethiopia", *Science Journal of Public Health*, 5(3): 162-171.
- Kontula, Osmo (2008); *The Influence of Education and Family Policies on Age at First Birth*, (*People, Population Change and Policies*), Edited by Höhn, Avramov and Kotowska, Springer: Switzerland.
- Lai, Qing; Thornton, Arland (2015); "The Making of Family Values: Developmental Idealization in Gansu, China", *Social Science Research*, 51: 174-188.
- Liefbroer, Aart C; Klobas, Jane E; Philipov, Dimitar; Ajzen, Icek (2015); *Reproductive Decision-Making in a Macro-Micro Perspective*, Springer: New York.
- Lipich, Liudmyla (2018); "Family and family values in the conditions of transformation of traditional social institutes", *Religious Freedom*, issue.21: 19-42.
- O'Donnell, Kath (2004); *Lesbian and gay families: legal perspectives, (Changing family values)*, Edited by: Gill Jagger & Caroline Wright, London and New York: Routledge.
- Pongracz, Marietta; Spéder Zsolt (2008); *Attitudes Towards Forms of Partnership*, (*People, Population Change and Policies*), Edited by Höhn, Avramov and Kotowska, Springer: Switzerland.
- Rashed Alam, Md; Nuruzzaman Khan, Md; Zahidul Islam, Mahammad; Jung, Jenny; Kumar Roy, Tapan; Mizanur Rahman, Md (2018); "Determinants of Adolescent Childbearing in Bangladesh: A Multilevel Logistic Regression Analysis", *Journal of Child & Adolescent Behavior*, Vol.6, Issue.3: 1-6.
- Stankuniene, Vlada; Maslauskaitė, Ausra (2008); *Family Transformations in the Post-Communist Countries: Attitudes Toward Changes*, (*People, Population Change and Policies*), Edited by Höhn, Avramov and Kotowska, Springer: Switzerland.
- Van Deth, Jan W; Scarbrough, Elinor (1995); The Impact of Values."Beliefs in Government", Volume 4, *European Science Foundation*, Oxford: Oxford University Press.
- Van Deth, Jan W; Scarbrough, Elinor (1995); The Impact of Values."Beliefs in Government", Volume 4, *European Science Foundation*, Oxford: Oxford University Press.
- Yucel, Deniz (2014); "What Predicts Egalitarian Attitudes Towards Marriage and Children: Evidence from the European Values Study", *Soc Indic Res*, Springer Science+Business Media Dordrecht: 1-16.
- Zaidi, Batool; Morgan, S.Philip (2017); "The Second Demographic Transition Theory: A Review and Appraisal", *Annu.Rev.Sociol.*, 43:4.1-4.20.

